

آشویتس زنان

گروه موسیقی

خود را شناخت



مهر: گروه موسیقی نمایش «آشویتس زنان» تازه‌ترین اثر گروه تئاتر «سه گانه» به سرپرستی رها حاجبی زینل معرفی شدند. امیردجال‌پانوزنده‌ساز کوبه‌ای، ارشان حق‌نوازنده ساکسوفون و شیدا احمدی نوازنده ویلن این نمایش خواهند بود. رها حاجبی زینل در مقام طراح موسیقی و خواننده و کال اجرای زنده موسیقی این اثر را هدایت خواهد کرد. «آشویتس زنان» محصول جدید گروه تئاتر «سه گانه» به نویسندگی علی صفری، کارگردانی رها حاجبی زینل و تهیه‌کنندگی سمیرا کلبسی و حسن سرآبادی به زودی در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود. سلیپین اسدالاهی، رها حاجبی زینل، صاب‌رورو و شهاب علی‌سلیمان در «آشویتس زنان» به انقادی نقش خواهند برداخت. «آشویتس زنان» روایتی بر اساس واقعه‌ای تاریخی در جریان جنگ جهانی دوم و اردوگاه‌های کار اجباری در لهستان است. وحید خدادادی که پیشتر سابقه حضور در آثاری همچون «ترقی‌غمگین» و «روزهای بی‌پایان» را داشته در این نمایش به عنوان مجری طرح حضور دارد.

شهرداری هیچ بودجه‌ای برای تئاتر اختصاص نداده است



حسام منظور سالی شورا نگیز در تاووزیون سیری می‌کند، اما او خودش را تاووزیونی نمی‌داند. هنوز به تئاتر دلسته است و از همین روست با ذرافت از سرپال‌ها، نمایشی روی صحنه برد نمایشی که با همان حال و هوای گروه «کوانتوم» و آثار آرش دادگر اجرایی می‌شود؛ نمایشی که در ذات خود بیان سلیبی دارد و در تصویر تلاشی تئاتر یکال به گزارش تستیم؛ او اکنون در گفت‌وگویی از چشم‌انداز هایش در تئاتر می‌گوید، از این که چرا هنوز برایش تئاتر مهم است و چرا تئاتر را مهم می‌داند. شما از وضعیت تئاتر ناراضی بوده و هستید و شرایط امروز را فاجعه‌بار می‌دانید. اگر بخواهیم فاجعه را از زبانی کنیم، فاجعه از ۱۵ سال پیش آغاز شده است؛ تا آنجا که هفتم باری می‌کنند زمانی هزینه تولید تئاتر در ایران صفر بود. آن زمان که تئاتر کار می‌کردیم همه هزینه‌ها حتی چاپ برشورها را مرکز می‌داد، یعنی مرکز برای برشورها با چاپخانه‌ای قرارداد داشت، لباس و پوستر و دکور همه آیینها از طرف دولت رایگان تهیه می‌شد و هنرمند ذرافغ‌بال داشت و خدغه این که تملناچی داشته باشد را نداشت، همان چیزی که الان می‌بینیم، چیزهایی که واقعا منبذ است. به نظر من وقتی مقایسه می‌کنید، به تئاتر معمولی تئاتر فاخر نمی‌گویید، اگر هم بخواهید بسازید هزینه‌های تولید اعم از اجاره سالن، لباس و بازیگرها چیزی بالغ بر ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان است، این تازه رقم بسیار حداقلی است و خیلی بریز و بپاش در آن نیست؛ نمی‌گویم این اتفاق باعث چه می‌شود؟ مگر گروه چقدر درآمد دارد؟ در حالی که می‌بینی اکثر این گروه‌ها حتی نصف مبلغی که گفتیم را نمی‌فرستند؛ پس این ضرر و زیان به چه کسی می‌رسد؟ چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ من فکر می‌کنم مدیریت تئاتر ما مدیریت کارمندی و محافظه‌کار است و بیشتر از در دسر برهن می‌کند و می‌خواهد همه چیز کم در دسر تمام شود، در حالی که ما نیاز به مدیر انقلابی داریم که عزم جدی‌تری برای تغییر داشته باشد، دل و جراتش و توان چله‌زنی بیشتری داشته باشد، اما نداریم. الان در مدیریت جدید همگی شان دوستان من هستند و من نمی‌خواهم به کسی بر بخورد، من برنامه‌های نمی‌بینم و هر مدیری که عوض شده، هیچ برنامه‌ای روی میز نگذاشته است، یا دست کم برای شفاف‌سازی نیاخته بگوید من از امروز مدیر مرکز هنرهای نمایشی هستم و این جدول برنامه‌های من برای یک سال آینده و این برای دو سال آینده است؛ در حال حاضر واقعا برنامه‌ای برای تئاتر نمی‌بینم. ناچاریم وارد بحث اقتصادی نیز بشویم، ما از سال گذشته تا امروز تور همان دست کم ۳۰۰ درصد بوده است. از دید ما که ۳۰۰ درصد است، اما دولت می‌گوید ۴۰ درصد است. ببین، تعارف نکن، آمار گزارش می‌دهد ۳۰ تا ۴۰ درصد، این اصلا برای ما قابل باور نیست؛ چون همه افلام مصرفی‌تان از مسکن و خورده و اقلام غذایی همه‌اش سه برابر و چهار برابر شده است، تعارف نداریم، ما خوشبختانه می‌گوییم ۳۰۰ درصد. خب تئاتر به منزلت احتیاج دارد و شما برای تئاتر باید بخرید، پوستر چاپ کنید و آهن و چوب و پارچه بخرید. بازیگران هزینه‌های زندگی‌شان سه برابر شده است و می‌بینید در این تورم شدید و جهش شدید قیمت‌ها مدیریت تئاتر هیچ بسته حمایتی برای هنرمند ندارد، اصلا انگار نه انگار، همان روال طبیعی خودش را ادامه می‌دهد و هیچ بسته حمایتی برای گروه‌ها ندارد؛ این گروه‌ها که با تورم سه چهار برابری مواجه‌اند، از آن طرف، قیمت تئاتر را هم نمی‌شود افزایش داد، به خاطر این که مردم همین الان هم نمی‌توانند پول بلیت را تأمین کنند. الان قیمت بلیت‌ها چند نیست؟ ۴۰ هزار تومان، اما قیمت اصلی تئاتر ما با هزینه‌های تمام شده باید ۱۰۰ هزار تومان می‌بود. شما قیمت قبلی تئاتر‌تان دو سال پیش ۲۵ هزار تومان بوده، یعنی در این دو سال دورتر شده است نه؛ همین را می‌گوییم هزینه‌های تولید من برای این تئاتر خیلی بالاتر از این است، از این تئاتر صفر ریال برای نویسنده‌ی، کارگردانی و بازیگری نصیب شده است، واقعا برای علاقه کار کردم، مدیران مرکز هنرهای نمایشی چه کار می‌کنند؟ چه برنامه‌ای برای این بحران داشتند؟ پیش‌بینی من برای امسال بود و متأسفانه داخل همین پیش‌بینی خودم هم کار کردم. فکر می‌کنم تئاتر ما تبدیل به شوره زار ورشکسته‌ای خواهد شد، امسال گروه‌هایی پس از دیگری ورشکست خواهند شد و سال‌های خصوصی هم نمی‌توانند به بقا ادامه بدهند؛ چون برای ساز و کار مالی آن‌ها هیچ فکری نشده است و هیچ اساس‌نامه‌ای حمایتی برای سال‌های خصوصی نداریم. من می‌شوم گله‌ی اوقات پیکان را به سمت سالن‌های خصوصی می‌گیرند، آن‌ها تقصیری ندارند، آن‌ها هم ماهیانه ۶۰ تا ۱۲۰ میلیون تومان برای ساختمان اجاره می‌دهند، ساختمان عظیم ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متری اجاره‌اش چقدر است؟ در مرکز تهران ماهیانه تازه آن موقع صاحبخانه هم می‌فهمد کاربری این گونه است، باید هزینه‌های بیهوشی، مجانی که نشسته‌اند، این هزینه را باید از کجا تأمین کنند، آن‌ها هم دچار ورشکستگی و مشکلاتی این سرانجام تاج تئاتر ما در امسال خواهد بود، هر چند فکر نمی‌کنم اهمیتی داشته باشد. در همه جای دنیا شهرداری به تئاترها یارانه می‌دهد، برای این که بخش مهمی از این فرهنگ در تئاترها است؛ این را من نمی‌گویم، در کشورهای اروپایی بخش مهمی از فرهنگ آن کشورها در تئاتر است، یعنی مهم‌ترین بخش فرهنگی در تئاتر است؛ حتی سینما به اندازه تئاتر اهمیت ندارد؛ حالا ما می‌گوییم در کشور ما اولویت‌های دیگری است. اما به همین اندازه هم شهرداری هیچ بودجه‌ای برای تئاتر اختصاص نداده است؛ مگر تئاتر چقدر بودجه می‌خواهد؟ به خدا فکر می‌کنم با دو برابر کردن بودجه فعلی مشکل حل می‌شود.

سفر «بدن دیوانه» به کانادا



یاسر خاسب سرپرست گروه «بدن دیوانه» که این روزها در کشور کانادا حضور دارد، درباره اجراهای خود در این کشور گفت: برای حضور در فستیوال جهانی IMPACT به کشور کانادا سفر کردیم که در منطقه Ontario به میزبانی شهر Kitchener برگزار می‌شود. در این فستیوال اجراهای بسیار متنوع از سبک‌ها و شیوه‌های اجرایی هنر معاصر با فرهنگ‌های متفاوت حضور دارند. به گزارش مهر؛ وی درباره هنرمندان کشورهای که در این فستیوال بین‌المللی حضور دارند، افزود: هنرمندان کشورهای مختلف دنیا از جمله کانادا، مکزیک تونس، سوریه، لبنان، اکوادور و شیلی در این فستیوال شرکت کرده‌اند و گروه «بدن دیوانه» تنها نماینده ایران در فستیوال IMPACT است. خاسب با اشاره به اجرای نمایش «هدیه مرموز» در فستیوال IMPACT، اظهار کرد: فیزیکال سولوی «هدیه مرموز» را روزهای ۲۷ و ۲۸ سپتامبر (۵ و ۶ مهر) اجرا کردیم که با استقبال بی‌نظیر مخاطبان مواجه شد به طوری که تملامی بلیت‌های خارج از ظرفیت سلن هم فروخته شد. مردم در اطراف قضای اجرای «بدن دیوانه» از فاصله‌های گرم و نزدیک، ارتباطی پراترژمی را تجربه کردند. این اتفاق بازتاب بسیار خوبی را برای «بدن دیوانه» به همراه داشت. سرپرست گروه «بدن دیوانه» درباره دیگر اجراهای این گروه در کشور کانادا، گفت: پس از پایان این فستیوال، گروه «بدن دیوانه» به فستیوال دیگری در مونترال خواهد رفت. این کارگردان و بازیگر تئاتر ایران در پایان سخنان خود با اشاره به این که این سفر اجرایی به مدت یک ماه به طول می‌انجامد، یادآور شد: قرار است در این سفر همکاری‌هایی از جمله برگزاری ورکشاپ و اجرا با جامعه دانشگاهی، هنرمندان کانادایی و ایرانیان مقیم کانادا داشته باشیم.



انضای هیات علمی جایزه کتاب سال با حکم وزیر ارشاد منصوب شدند

فارس: با حکم

سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هیات علمی سی و هفتمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران منصوب شدند. بر اساس احکام صادر شده رسول جعفریان، احمد تقیپزاده، سید مهدی حسینی، اسماعیل بنی اردلان محمد جواد مرادی نیسا، رضا اکبری حسین میرزایی، نیکنام حسینی پور جواد محقق، محمود کمره‌ای، فریبرز خسروی، مریم حسینی، حجت الاسلام والمسلمین رضا مختاری و محمدرضا شمس اردکانی به عنوان اعضای هیات علمی سی و هفتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران منصوب شدند.

سراج در روز مولانا برای دانشجویان می‌خواند



استا: حسام‌الدین سراج، پس از سه روز اجرا کسرت عاشق‌ورایی در برج میلاد تهران که به صورت رایگان برای شهروندان برگزار شد، در جمع دانشجویان شاعر نیز به صحنه می‌رود. پس از اجرای رایگان کسرت «وداع» در روزهای ۵ تا ۷ مهرماه، سراج و گروهی از نوازندگان، روز دوشنبه (هفتم مهرماه) نیز همزمان با روز نگوداشت مولانا، برای چهارمین روز متوالی، به دعوت معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی، در دانشگاه شهید بهشتی تهران اجرا خواهد داشت. این برنامه در قالب نخستین رویداد محفل شعر و شعرخوانی در جریان نخستین جشنواره ملی دانشجویان، برگزار می‌شود. در این مراسم قرار است علاوه بر شعرخوانی جمعی از دانشجویان و مدرسان دانشگاه و نیز برگزاری ریل تخصصی نخستین تدبیس جشنواره ملی شعر دانشجویی به یکی از پیشکوتان عرصه شعر و ادبیات فارسی اهدا شود. این برنامه روز دوشنبه (۸ مهرماه) ساعت ۱۵ در تالار مولوی دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی تهران برگزار می‌شود.

منوعیت کتابخوانی در زندان‌های آمریکا از بیم فرار زندانیان



ایرنا: مسئولان زندانی در نیویورک، مانع از توزیع یکی از کتاب‌های مجموعه نقشه ماه شدند و گفتند این کتاب می‌تواند خطر فرار زندانیان را در بر داشته باشد. زندانیان زندان‌های تاووزین از دسترسی به فرهنگ لغت کلیگان (زبان کلیگان یک زبان فراساخته است که توسط کلیگان‌ها در مجموعه علمی تخیلی پیشازان فضا به کار گرفته شد) و کتاب‌های رنگ‌آمیزی محروم شدند. به علاوه، فهرست کتاب‌های ممنوعه در زندان‌های گراس شامل بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب از نویسندگانی چون آیس واکر، جسان آیدایک، جورج اورول و جویس کارول اوئین می‌شود. بیشتر بن منوعیت کتابخوانی در زندان‌های آمریکا متعلق به زندان‌های ایالتی و فدرال است. اما کی که بیش از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در آن در حبس به سر می‌برند. در همین حال، در دادخواستی که به امضای ۴۰ هزار نفر در آمریکا رسیده، از کنگره خواسته شده به حق مطالعه توجه کنند. در این دادخواست عنوان شده دسترسی به ادبیات در زندان‌های آمریکا رونه و خلقت است. همچنین در این دادخواست به مطالباتی استناد شده است که نشان می‌دهد دسترسی زندانیان به اطلاعات و ایده‌های جهان خارج، از مابه معنای روی آوردنشان به خلاف‌مجدد نیست محتوای غیراخلاقی و مستهجن کتاب‌ها و تداعی تصویر خشونت و فرار از جمله دلایل محدود کردن زندانیان از مطالعه کتاب عنوان شده است. در همین حال، مسئولان یک زندان فدرال در ایالت کالورادو مطلع از دسترسی یک زندانی به دو کتاب خاطرات بلاک اولما رئیس‌جمهوری سابق آمریکا شدند و این کتاب‌ها را به‌طور بالقوه به ریختن برای امنیت ملی این کشور دانستند. این تصمیم به‌عنا نقض شد.

مسئولان فرهنگی وظیفه دارند تا جلسات ادبی را به جوانان معرفی کنند

شهریار عباسی که معتقد است برگزاری نشست‌های انجمن‌های ادبی در کافه‌ها اغلب حالت زینت پیدا می‌کند از این که این جلسها در نهایت نتیجه‌ای جز بیانیه سلیبی و اجتماعی برای داستان‌نویس ندارد، می‌گوید.

من برای بچه‌های جوان ترجمه دهم. این داستان‌نویس با اشاره به این که شما وقتی یک‌رمان‌نویس می‌خواهد رمانی بنویسد باید رمان اولش را تحت نظر یک رمان‌نویس با تجربه که با اصول و تئوری‌ها آشنا است بنویسد، بیان کرد. داستان‌نویس جوان باید با یک رمان‌نویس با تجربه کار اولش را شروع کند تا وقتی اثر را برای ناشر می‌برد، ناشر بگوید «این جبهه‌نوشته‌ی؟». پس جوانان باید به جای نشست‌ها در کافه‌ها اگر افراد با تجربه‌ای را می‌شناسند با آن‌ها ارتباط بگیرند. با عنوان «انجمن» هم مخالفتی ندارم اما آنچه عمل‌دیده‌ام در آخر بیانیه سیاسی و اجتماعی و حرف‌های روشنفکری است که به‌عظم داستان‌نویس به آن‌ها نیاز ندارد و این جلسات معمولاً خروجی ندارند. نویسنده «بازنگوش» در ادامه اظهار کرد: من فکر می‌کنم مسئولان فرهنگی باید از کیفیت و وضعیت نشست‌های انجمن‌های ادبی آمار داشته باشند و آن‌ها را رصد کنند، نه به‌صورت پلیسی، اما ببینند که این جلسات در چه وضعیتی است و چقدر مفید است. همچنین مسئولان فرهنگی وظیفه دارند تا جلسات ادبی را به جوانان معرفی کنند؛ یعنی بچه‌ها باید آن قدر به آن‌ها اعتماد داشته باشند که به حرف‌شان گوش دهند، که این اتفاق نمی‌افتد. این منتقد ادبی با بیان این که وقتی فضای حقیقی‌مان پر از حرف‌های صد من یک‌غاز است، فضای مجازی بدتر است، گفت: حرف‌هایی که در گروه‌های مجازی زده می‌شود به درد داستان‌نویسی نمی‌خورد. فضای مجازی خوب نیست چون اصلا ادبی نیست. در واقع باید تفکیک ساختاری انجام شود و آیینها از هم جدا شود که من اگر داستان‌نویس هستم، داستان‌نویسی‌ام را در وقتش انجام دهم و بعد در انتخابات سلیبی شوم. ماهمیشه همه چیز زمان قاطی بوه و متلسفانه این مسئله هم از همان رنج می‌برد.

این داستان‌نویس، درباره وضعیت برگزاری نشست‌های انجمن‌های ادبی اظهار کرد: نویسندگان جوان برای انتخاب انجمن‌های ادبی باید به سوابق آن‌ها نگاه کنند. نه این که چون انجمنی به یک نهاد وابسته است بگویند خوب است یا بد. اما کاری که من خودم اخیراً انجام می‌دهم، تربیت اختصاصی داستان‌نویسان جوان است. نظرم این است که داستان‌نویسان جوان باید با آدم‌های با تجربه‌ای که به آن‌ها اعتماد دارند و سوابق‌شان را می‌شناسند کار کنند. به گزارش ایسنا؛ او افزود: من خیلی به این اعتقاد ندارم که داستان‌نویسان جوان وقت‌شان را در این دوره‌های ها بگذرانند بلکه باید کار جدی کنند. مثلاً من الان پروژه‌های رمان را قبول می‌کنم؛ بچه‌هایی آیند و آموزش می‌بینند و طی یک پروژه‌ها با آن‌ها کار می‌کنم، علاوه بر این با یکدیگر هم آشنا می‌شوند. اما این را که در کافه جمع شوند خیلی نمی‌پسندم، چون اغلب در این مکان‌ها از بحث‌های اجتماعی و سیاسی سر در می‌آورند که خیلی به‌طور مستقیم به داستان‌نویس مربوط نیست. این بحث‌ها به‌عنوان یک شهرت برای فرد مهم است اما به‌عنوان یک داستان‌نویس مهم نیست و فقط حساسیت‌هایی برای یک عده ایجاد می‌کند که من خیلی با آن موافق نیستم. عباسی با بیان این که برگزاری نشست‌های انجمن‌های ادبی در کافه‌ها حالت زینت پیدا می‌کند گفت: در چنین فضایی جلسه برگزاری می‌کنند و می‌گویند که رفتیم کافه فلان، اما کار ادبی جدی صورت نمی‌گیرد و بحث‌های سلیبی و اجتماعی انجام می‌شود که به درد داستان‌نویس نمی‌خورد. من خیلی موافق وقت‌گذرانی در این جور جاها نیستم. بیشتر موافق این هستم که جوانان با کمک افراد با تجربه کار کنند تا خروجی کلری بگیرند، چون اعتقاد این است که کسی که برای مایین کارها را نکرده، اما

